

خرد در منظومه‌های حماسی فارسی و سنجش آن با متون زرتشتی

(مطالعه موردی: گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه و کوش‌نامه)

کلثوم غضنفری

استادیار تاریخ دانشگاه تهران

احسان محمدی^۱

دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۱۵

چکیده

منظومه‌های حماسی فارسی غالباً روایات مربوط به ایران باستان را نقل می‌کنند. با توجه به اینکه ممکن است پیشینه برخی از این روایات حماسی خارج از شاهنامه نیز به دوران ساسانی برسد، می‌توان انتظار داشت که مفاهیم و باورهای زرتشتی هم در این منظومه‌ها بی‌تأثیر نباشند. یکی از مهم‌ترین این مفاهیم خرد است. این نوشته به بررسی استمرار مفهوم خرد مذکور در متون زرتشتی در این منظومه‌های حماسی می‌پردازد. بررسی موردی و مقایسه متون زرتشتی و منظومه‌های مورد نظر درباره مفهوم خرد نشان می‌دهد که این منظومه‌ها نه‌تنها در مورد اهمیت مفهوم خرد، که حتی در توصیف ویژگی‌ها و تشبیهاتی که در مورد این مفهوم به کار می‌برند، پیرو ادبیات زرتشتی، به‌ویژه ادبیات پهلوی، هستند. هرچند تأثیرپذیری منظومه‌های مورد بررسی در مورد مفهوم خرد و اهمیت و نقش آن از متون زرتشتی به اندازه شاهنامه فردوسی نیست، ولی باز هم رد پای متون زرتشتی را می‌توان در آن‌ها دنبال کرد، به‌ویژه در گرشاسب‌نامه که بیت‌های بیشتری را به خرد اختصاص می‌دهد و تشبیهات نزدیکتری به متون پهلوی را نقل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: خرد، منظومه‌های حماسی فارسی، متون زرتشتی، بهمن‌نامه، گرشاسب‌نامه، کوش-

نامه

مقدمه

این پژوهش به جستجوی مفهوم خرد در سه منظومه گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه و کوش‌نامه و بررسی تأثیرپذیری آن‌ها از متون زرتشتی می‌پردازد. این سه منظومه که با فاصله کمی پس از سروده شدن شاهنامه پدید آمده‌اند از مهم‌ترین منظومه‌های حماسی فارسی هستند (رک. خالقی مطلق، ۱۳۷۰ ب: ۶۷). هر یک از این سه منظومه حدوداً ۱۰۰۰۰ بیت را شامل می‌شوند و این می‌تواند سبب داوری عادلانه‌ای میان آنها شود. دو منظومه بهمن‌نامه و کوش‌نامه از یک شاعرند و گرشاسب‌نامه از شاعری دیگر. این نکته به پژوهشگر امکان می‌دهد که میزان دخالت شاعر در آوردن باورهای مختلف در منظومه را مورد بررسی قرار دهد. همچنین کوش‌نامه و گرشاسب‌نامه روایات دوران پادشاهی ضحاک و فریدون را بازگو می‌کنند، ولی بهمن‌نامه به پادشاهی بهمن می‌پردازد. این نکته نیز به پژوهشگر اجازه می‌دهد که میزان تأثیرگذاری موضوع داستان در شکل‌گیری باورهای مذکور در منظومه‌ها را بررسی کند.

گرشاسب‌نامه اثر ادیب بزرگ، علی ابن احمد اسدی طوسی، است که به گفته خودش نظم گرشاسب‌نامه را در سال ۴۵۸ ه.ق. به پایان برده است. بسیاری از پژوهشگران گرشاسب‌نامه را مهم‌ترین منظومه حماسی پس از شاهنامه می‌دانند (از جمله یغمایی، ۱۳۸۹: ۵؛ صفا، ۱۳۶۳: ۲۸۳؛ خالقی مطلق، ۱۳۷۰ ب: ۶۷)؛ به همین دلیل زودتر از دیگر منظومه‌های حماسی تصحیح شد. معتبرترین تصحیح تصحیح حبیب یغمایی است که در سال ۱۳۱۷ به چاپ رسید.^(۱) بهمن‌نامه اثر حکیم ایران‌شاه (ایران‌شان؟)^(۲) ابن ابی‌الخیر است که در ماه‌های پایانی سال ۴۹۵ ه.ق. یا نخستین روزهای سال ۴۹۶ ه.ق سروده شده است (ورهرام، ۱۳۹۴: ۱۱۳).^(۳) این منظومه به تصحیح رحیم عفیفی در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسیده است. کوش‌نامه نیز بنا بر گفته شاعرش از همان شاعر بهمن‌نامه است (کوش‌نامه، ۱۵۱-۱۵۲). به نظر می‌رسد که کوش‌نامه در سال‌های ۵۰۰ و ۵۰۱ ه.ق. سروده شده است (رک. صفا، ۱۳۶۳: ۳۰۰؛ متینی، ۱۳۶۲: ۶۲۷). از این منظومه تنها یک نسخه خطی باقی مانده است و همان را جلال متینی تصحیح و در سال ۱۳۷۷ چاپ کرده است.

گرشاسب‌نامه شامل پادشاهی ضحاک و فریدون است و به شرح نبردهای گرشاسب در هند و افریقا و چین می‌پردازد. کوش‌نامه نیز شامل همین دوره‌هاست و البته داستان کوش‌نامه تا دوره کیکاووس هم ادامه پیدا می‌کند و شرح زندگی پرماجرایی کوش پیل-دندان، برادرزاده ضحاک، است. بهمن‌نامه به کلی دوره پادشاهی بهمن را شامل می‌شود و تماماً به ماجراهای زندگی این شاه کیانی، به‌ویژه دشمنی‌هایش با خاندان رستم، اختصاص دارد.

پژوهش حاضر به بررسی مفهوم خرد در این سه منظومه در سنجش با متون زرتشتی می‌پردازد.

واژه خرد از ریشه kar- به معنی «کردن، عمل کردن» است و ممکن است ریشه مشابه با آن به معنای «به یاد آوردن و به خاطر سپردن» نیز بر اثر خلط در معنای آن بی اثر نبوده باشد. معادل سنسکریت آن krātu- است (قس میرفخرایی، ۱۳۸۸: ۹). در متون هندی لفظ krātu- بیشتر در مورد ایزدان پهلوان، مخصوصاً ایندره و یاران وی، به کار رفته و احتمالاً منظور از آن نیروی درونی و فطری جنگجویان بوده است. نخستین معنی ثانویه لفظ احتمالاً دلیری و پیروزی و زبردستی در جنگ و مسابقه است؛ در مورد خدایان برتری و تسلط و شکوه آنان و در مورد آدمیان قدرت و فضیلت آنان. از سوی دیگر، این واژه در مورد بعضی ایزدان دیگر معنای دیگر دارد. در مورد ایزد اگنی بر مهارت و چیره‌دستی آن ایزد در به جای آوردن مراسم دلالت دارد و به‌ویژه در عباراتی که در وصف ایزدان میتره و ورونه است، از آن پارسایی و درستکاری بر می‌آید. لفظ xratu- در اوستای گاهانی به این معنی ثانویه دوم نزدیک‌تر است. با این همه، همنشینی و ارتباط خرد با وهومنه و چیستی در گاهان نشان می‌دهد که این واژه با عقل، معنایی که امروزه از آن فهمیده می‌شود، بی‌ارتباط نبوده است و قوه‌ای است از آن ایزدان که آن را به آدمیان می‌بخشند و آدمیان به‌واسطه آن راه درست را برمی‌گزینند (قس قائم‌مقامی، ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۵۵). در بعضی از بندهای گاهان، زرتشت از خرد سخن گفته است: مزدا ظاهراً به‌وسیله خرد است که جهان و مردم و تن و جان و دین و منش نیک (وهومنه) و راستی را خلق کرده (یسن ۷/۳۱)؛ یا مزدا ظاهراً به‌واسطه اندیشه خویش خرد را می‌آفریند (یسن ۱۱/۳۱). شاید بتوان گفت که در گاهان خرد به یک معنا تجلی اراده و قصد اهوره‌مزداست (میرفخرایی، ۱۳۸۸: ۱۰). اهوره‌مزدا در هر مزد یشت خود را این گونه معرفی می‌کند: «منم خرد، منم خردمند.» (یشت ۷/۱). در بخش‌های دیگر اوستای متأخر خرد به خرد ذاتی (آسن‌خرد) و خرد اکتسابی (گوشوسرود خرد) تقسیم می‌شود (مثلاً یشت ۱۰/۷/۱۰). این دوگانگی خرد در نوشته‌های پهلوی نیز دیده می‌شود (قائم‌مقامی، ۱۳۸۷: ۱۵۶).

در متون پهلوی خرد حوزه معنایی وسیعی را در بر می‌گیرد و آنچه به قوای عقلانی مربوط است، عقل، شعور، تمیز، قوه استدلال و مانند این‌ها را شامل می‌شود. علاوه بر این، می‌توان آن را با مصلحت و منفعت شخصی نیز ارتباط داد (میرفخرایی، ۱۳۸۸: ۱۰). در این متون خرد بن‌مایه همه کارهای نیک دانسته می‌شود: «هر که او را خرد هست، هنر نیز هست ... هر که او را خرد هست، خواسته نیز هست، زیرا هر کار نیک را بن به خرد

نهاده شود.» (اندرز بهزاد فرخ پیروز، بند ۱۸). پیوستگی دین زرتشتی با مفهوم خرد در این ابیات سروده دقیقاً به روشنی دیده می‌شود:

از ایوان گشتاسپ بمیان کاخ درختی گشن‌بیخ بسیارشاخ
همه برگ او پند و بارش خرد کسی کز خرد برخوردار کی مرد
خجسته‌پیی نام او زدهشت کز آهرمنی دست گیتی بشست
به شاه کیان گفت پیغامبرم سوی تو خرد رهنمون آورم
(شاهنامه، ۷۹/۵-۸۰)

بنابراین، خرد مفهوم پیچیده‌ای است که در طول زمان در دین زرتشتی بالیده است و هر زمان گسترده‌تر شده و خود شامل و دربرگیرنده مفاهیم دیگر شده است. ما نیز خرد را از معانی گسترده‌اش تهی نمی‌کنیم^(۴) و مورد به مورد ویژگی‌های آن را بنا بر آنچه در منظومه‌ها آمده خواهیم رسید و با ویژگی‌های ذکر شده در متون زرتشتی خواهیم سنجید.

۱. ویژگی‌های خرد در منظومه‌های بهمن‌نامه، گرشاسب‌نامه و کوش‌نامه

۱-۱. خرد برترین خواسته

نخستین ویژگی این است که خرد از همه چیز برتر است. موضع متون زرتشتی در این مورد کاملاً روشن است: «خرد بهترین است. هر چیز مربوط به مینو و کنش گیتی بر پایه خرد مقدر شده است» (اندرز بهزاد فرخ پیروز، مقدمه). در مینوی خرد می‌آورد: «خرد از همه خواسته‌هایی که در جهان است بهتر است.» (مینوی خرد، ۶/۴۶). در *اندرز/نوشه‌روان آذرباد مارسپندان* آمده: «خرد بهترین خوشبختی برای مردمان است.» (اندرز/نوشه‌روان آذرباد مارسپندان، ۱۵۴) و در جایی دیگر از همین متن آمده: «و ترا گویم پسر من که (از) موهبت (ها در مورد) مردم خرد بهتر، چه اگر پرگست (= خدای ناکرده) خواسته بشود یا چهارپای بمیرد، خرد بماند.» (اندرز/نوشه‌روان آذرباد مارسپندان، ۱۰۴)

مواضعی مشابه اینها در منظومه‌های *گرشاسب‌نامه* و *کوش‌نامه* دیده می‌شود:

بهین گوهری هست روشن خرد که بر هرچه دانی خرد بگذرد

(گرشاسب‌نامه، ۱۴۸)

خرد هدیه کردگار است نیز مرا بازگو کز خرد به چه چیز؟

(کوش‌نامه، ۱۴۸)^(۵)

خرد هم بهترین چیز است و هم مایهٔ بهترین و برترین شدن انسان در میان جانوران، چراکه خرد ویژهٔ انسان است و هیچ جانوری دارای آن نیست. منظومهٔ بهمن-نامه بر این مسئله تأکید دارد:

ز هر گونه‌ای جانور را نژاد خرد مر ترا دیگران را نداد
(بهمن‌نامه، ۶)

البته این بهترین گوهر هیچ‌گاه نمی‌تواند به جایگاه و منزلت خداوندی برسد. در *گرشاسب‌نامه* چند بار اشاره شده است که خرد از همه چیز برتر است جز یزدان:
همه چیز زیر و خرد از بر است جز ایزد که او از خرد برتر است
(*گرشاسب‌نامه*، ۲۸۳)

و در جایی دیگر:

خدای از خرد برتر است و روان به چه چیز دانستن او را توان؟
(همان، ۱۳۶)

البته مقصود از خرد در اینجا ظاهراً خرد فردی نیست و عقل مفارق و به یک معنا عقل فعال است. با این حال، ما در اینجا وارد این مطلب نمی‌شویم و به ارتباط میان خرد و یزدان‌شناسی در منظومه‌ها که از بعضی ابیات دیگر برمی‌آید می‌شویم. *گرشاسب‌نامه* و *بهمن‌نامه* خرد را ابزار شناخت خدا می‌دانند:

چراغی است در پیش چشم خرد که دل ره به نورش به یزدان برد
(*گرشاسب‌نامه*، ۳۱) (۶)

در *بهمن‌نامه آمده*:

همی بازجویی ز یزدان تو راز نخست از خرد مایهٔ خویش ساز ...
کسی کو خرد مایه دارد فزون به یزدان مر او را بود رهنمون
(*بهمن‌نامه*، ۶)

همان‌طور که دیده می‌شود، خرد رهنمون انسان است در راه رسیدن به خدا. *گرشاسب‌نامه* تأکید دارد که خداوند را از راه خرد می‌توان شناخت:

خداوند دانای پروردگار ز دیده نهان وز خرد آشکار
(*گرشاسب‌نامه*، ۳۲۳)

تنها همین نمونه‌ها نیستند که نشان می‌دهند جایگاه خرد در منظومه‌های مورد بررسی این پژوهش قابل قیاس با جایگاه خرد در دین زرتشتی است. نمونه‌هایی وجود دارد که می‌تواند نشان دهد در این منظومه‌ها خرد با دین، یا راه خرد با راه دین، یکی دانسته می‌شده است و این نیز کاملاً هم‌آوا با اصول زرتشتی است. اگر فرجام راه دین و پایبندی به اصولش رسیدن به بهشت است، این از خرد برمی‌آید:

جز از راه دین و ز راه خرد می‌آمد بگردد همه کار بد
(بهمن‌نامه، ۳۷۴)

همسویی راه خرد با راه دین در دینکرد پنجم هم آمده است (۳۰/۲۴). گرشاسب‌نامه
فرمان یزدان و فرمان خرد را در کنار هم قرار می‌دهد:

ز یزدان و فرمان شاه و خرد مگردید کز بن نه اندر خورد
(گرشاسب‌نامه، ۴۰۱)

اگر راه دین راه راست است، خرد این راه را بر می‌گزیند:

گزیند ز کردارها راه راست کجا راه کج بی‌گمان کس نخواست
(کوش‌نامه، ۳۸۱)

در وزیدگی‌های زادسپرم (۳۶/۳۰) به ویژگی‌گزینه‌گری خرد اشاره می‌شود. در
کوش‌نامه نیز راه خرد در کنار راه دین دیده می‌شود:

سخن‌های بیهوده گفتن چنین ز راه خرد نیست و آیین و دین
(همان، ۴۵۷)

و در یک مورد هم راه خرد به همراه راه داد می‌آید، و راه داد به یک معنا همان راه
دین است، همچنانکه در کتاب‌های پهلوی گفته شده:

بگشت از ره داد و راه خرد نشد سیر از آیین و کردار بد
(همان، ۴۱۲)

پیوستگی دین و خرد در این منظومه‌ها آن‌چنان است که نمی‌توان گفت هر دینی
خردورزی را به‌عنوان امری پسندیده تبلیغ می‌کند؛ این حالت را می‌توان تنها با دینی
مقایسه کرد که مبحث خرد را به‌عنوان مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین اصول خود معرفی
می‌کند و از دید نگارندگان تأثیر مستقیم باورهای زرتشتی است که چنین فضایی را بر
منظومه‌ها حاکم کرده است.

از دیگر ویژگی‌های خرد در این منظومه‌ها شناسنده‌بودن خرد است، به این معنی
که توانایی تشخیص خوب و بد را دارد:

ببیند پس و پیش هر کار نیز شناسد سره زرّ پاک از پشیز
(کوش‌نامه، ۳۸۱)

ز هرچ آفریده شد او بد نخست همه‌چیزها او شناسد درست
(گرشاسب‌نامه، ۲۸۲)

این ویژگی تشخیص و شناسندگی خرد را می‌توان با عبارتی از متن زرتشتی شایست
ناشایست مقایسه کرد: «نیز این‌که خرد را جوهر چونان آتش <است>. چه، در این
جهان <هیچ> چیز نیست که ایدون <نیکو> شود، چون آن چیز که با خرد کرده

(=انجام) شود؛ و نیز آتش را هر کجا افروزند، از دور ببند (=تشخیص دهد) <و> برائت و محکومیت را پیدا (=معلوم) کند؛ و هر که با (=از طریق) <آزمایش> آتش تبرئه شد، جاودان تبرئه شده است، و هر که با <آزمایش> آتش محکوم شد، جاودان محکوم شده است.» (شایست ناشایست، ۲/۲۰). همچنین در یادگار بزرگمهر، بند ۶۲ به قوه شناسندگی خرد اشاره می‌شود. پس از شناخت سره از ناسره، خرد راه راست را برمی‌گزیند:

گزیند ز کردارها راه راست کجا راه کج بی‌گمان کس نخواست
(کوش‌نامه، ۳۸۱)

در دینکرد نیز آمده که کار خرد گزینش و جدا کردن نیک از بد است (میرفخرایی، ۱۳۸۸: ۱۲). این تشخیص به شناخت راه درست و دین درست منتهی می‌شود.

۱-۲- خرد در برابر دیو

خرد یکی از مهم‌ترین اجزای سپاه ایزدی است؛ سپاه ایزدی همواره در تضاد با سپاه اهریمنی و در حال نبرد با اوست. در متون پهلوی خرد با ورن، که در این متون گستره معنایی وسیعی از آز و نفس‌پرستی تا دروغ و بی‌خردی را در بر می‌گیرد، در ضدیت است (قائم‌مقامی، ۱۳۸۷: ۱۵۷) تقابل خرد با دیو که از ویژگی‌های باور زرتشتی است بکرات در منظومه‌های مورد بحث دیده می‌شود:

خرد دور دارد ز تو کار دیو خرد بشکند تیز بازار دیو
(کوش‌نامه، ۱۴۸)

در مینوی خرد آمده: «پرسید دانا از مینوی خرد که آفریدگار اورمزد در گیتی هیچ آفریده‌ای خلق کرده است که اهریمن نتواند بدو آسیب برساند؟ مینوی خرد پاسخ داد که به مردم خردمند و خرسند کمتر می‌تواند آسیب برساند.» (مینوی خرد، ۳۳-۴) در بهمن‌نامه آمده است:

مکش گردن از راه گیهان خدیو خرد را رهایی ده از دست دیو
(بهمن‌نامه، ۴۹۸)

و در کوش‌نامه:

نگهبان جان و تن آمد خرد نماند که بفریدش دیو بد
(کوش‌نامه، ۶۷۲)

در بهمن‌نامه، خرد ضد کین نیز هست:

دل رستم تور بر وی بسوخت به دست خرد چشم کین را بدوخت
(بهمن‌نامه، ۵۶۵)

و در گرشاسب‌نامه، خرد در برابر هوای نفس:

دگر رهش پرسید گرد دلیر که ای از خرد بر هوا گشته چیر
(گرشاسب‌نامه، ۱۳۴)

در همین منظومه، خرد و رشک در برابر هم قرار می‌گیرند:

بود خیره دل سال و مه مرد آز کفش بسته همواره و چشم باز
دهد رشک را چیرگی بر خرد خورد چیز خود هر کس او غم خورد
(همان، ۱۷۵)

در این بیت‌ها تقابل خرد و آز را هم می‌بینیم و این از جمله در دینکرد ششم آمده است: «آفت خرد دروغ و رقیب آن آزمندی است.» (دینکرد ششم، ۲۴۶)

تقابل خرد با دروغ نیز مورد اشاره‌ی گرشاسب‌نامه است:

دروغ آبروی از بنه بسترد نگوید دروغ آن‌که دارد خرد
(گرشاسب‌نامه، ۲۲۴)

۱-۳- خرد در کنار نیکی

اگر نیکی را برابر با جبهه‌ ایزدی و بدی را برابر جبهه‌ اهریمنی بگیریم، خرد در منظومه‌های ما همواره به نیکی امر می‌کند و از بدی نهی می‌کند. در بهمن‌نامه می‌آورد:

خرد گویدش تخم نیکی بکار که آید یکی روز نیکی به بار
(بهمن‌نامه، ۶)

در گرشاسب‌نامه:

بود دوری از بد ره بخردی بهی نیکی و دوریست از بدی
(گرشاسب‌نامه، ۳۷۰)

در کوش‌نامه:

جهان را به نیکی گذارد همه بد و نیک او باز داند همه
(کوش‌نامه، ۳۸۱)

باز هم در گرشاسب‌نامه، این بار خرد را در کنار امید به خدا می‌بینیم؛ دو مفهوم ایزدی:

ز دادار امید و فرمان و پند مر آن‌راست کو از خرد بهره‌مند
(گرشاسب‌نامه، ۲۸۳)

در دین زرتشتی به بهره‌گیری از خوشی‌های دنیا تأکید شده است. هر چند مینو را نباید به گیتی فروخت، ولی دین زرتشتی دینی دنیاگریز نیست و توجه بااعتدال به دنیا مطابق با دستور خرد است. باز هم در گرشاسب‌نامه می‌بینیم:

خوری و بیوشی ز روی خرد از آن به که بنهی و دشمن خورد
(همان، ۲۰۲)

بر اساس دینکرد رونق و آبادانی جهان با خرد مرتبط است و حتی این مفاهیم را می‌توان به‌گونه‌ای در دل تعریف خرد جای داد (میرفخرایی، ۱۳۸۸: ۱۲). یکی از نکاتی که هر سه منظومه درباره آن همداستان هستند این است که خرد همچون جوشنی است که انسان را از گزند دور نگه می‌دارد.
در بهمن‌نامه:

تن تیره ما به جان روشن است خرد پیش تن چون یکی جوشن است
خرد دور دارد ترا از گزند خرد شاد دارد روان نژند
(بهمن‌نامه، ۶)

در گرشاسب‌نامه:

خرد جوشن و بازوام خنجر است هنر گنج و تیر و سنان لشگرست
(گرشاسب‌نامه، ۲۱۱)

در کوش‌نامه:

خرد جوشن آمد تن مرد را خرد داروی آمد همه درد را
(کوش‌نامه، ۱۴۸)

جوشن محافظ انسان در برابر آسیب‌هاست. این تشبیه همانندیی دارد با اشاره/ندرز بهزاد فرخ پیروز که خرد را نگاهدار و نگاهبان تن می‌داند (ندرز بهزاد فرخ پیروز، ۸). در بیت بالا شاعر کوش‌نامه ویژگی دیگری را نیز برای خرد قائل شده و آن اینکه خرد داروی همه دردهاست.

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های مشترک خرد روشنایی آن است که معمولاً از آن به چراغ تعبیر می‌شود. در دینکرد آمده که گوهر خرد مانند آتش است، چه در این جهان کاری نیست که چنان کامل باشد چون آن کاری که با خرد انجام می‌شود و آتش نیز هر جا که افروخته شود، کسی را که از دور ببیند، به‌عنوان بی‌گناه و گناه‌کار آشکار سازد (میرفخرایی، ۱۳۸۸: ۱۲). این جملات نشان می‌دهد که تشبیه خرد به روشنایی و چراغ، بر نقش آن به‌عنوان عامل تمیز میان خیر و شر دلالت دارد. همین مفهوم در بندی از شایست‌نشایست نیز که پیش‌تر نقل شد (۲/۲۰) آمده است. بیتی از گرشاسب‌نامه همین مفهوم را به‌گونه‌ای دیگر بیان می‌کند:

چراغی است از فرّه کردگار به هر نیک و بد داور راست کار
(گرشاسب‌نامه، ۲۸۲)

و در جایی دیگر:

چراغی است در پیش چشم خرد که دل ره به نورش به یزدان برد
(همان، ۳۱)

و در جایی دیگر:

بد و نیک را هر دو پاداشن است خنک آنک جانش از خرد روشن است
(همان، ۳۲)

چراغ خرد در دل افروختم فراوان ز هر دانش آموختم
(همان، ۱۴۸)

در بهمن‌نامه:

خرد پیش تو همچو باغی بود خرد پیش دل چون چراغی بود
(بهمن‌نامه، ۶)

در اینجا منظور از تشبیه خرد به چراغ ویژگی رهبری و رهنمونی آن است به‌سوی دین و یزدان و بهشت (رک. ادامه مقاله).

همان‌طور که خرد روشنایی‌بخش است، ممکن است تیره هم بشود:

ترا شد خرد تیره و پشت کوز کجا رأی و کامم ندانی هنوز
(همان، ۲۰۲)

یکی دیگر از اشاراتی که نشان‌دهنده روشنایی خرد است آن است که خرد را گوهر

ی نورانی شمرده‌اند:

بهین گوهری هست روشن خرد که بر هر چه دانی خرد بگذرد
(گرشاسب‌نامه، ۱۴۸)

همچنین:

خرد مایه ور گوهری روشن است چو جان او و جان مر ورا چو تن است
(همان، ۲۸۲)

مبحث دیگر درباره خرد ارتباط آن است با مفاهیمی همچون روان، جان، دانش، دل

و فرهنگ.

۱-۴- خرد و روان

خرد دستگیر و رهبر و رهنمون روان است:

یکی راه پیش است تاریک و بد مگر دست گیرد روان را خرد
(بهمن‌نامه، ۶)

رهنمون روان به‌سوی بهشت است:

پرهیزد از کار و کردار زشت رساند روان را به خرم بهشت
(کوش‌نامه، ۶۷۲)

بندهش تصریح می‌کند که خرد روان را به بهشت می‌رساند (بندهش، ۲۶/۱۷). در مینوی خرد آمده است که «هر انسانی که از خرد بهره‌وری بیشتری دارد، بهره‌اش از بهشت بیشتر است.» (مینوی خرد، ۵۶/۱۹).

همچنین رهنمون روان به‌سوی دانش است:

خرد مر جهان را سر گوهر است روان را به دانش خرد رهبر است
(گرشاسب‌نامه، ۱۴۸)
چنین پاسخ آراست داننده پیر که روح از خرد گشت دانش‌پذیر
(همان، ۲۸۱)

بنابراین هر سه منظومه برآنند که خرد دستگیر و رهنمون روان است؛ بهمن‌نامه و کوش‌نامه خرد را رهبر روان به‌سوی بهشت می‌دانند، گرشاسب‌نامه مقصد این راه را دانش می‌داند. همچنین گرشاسب‌نامه بر آن است که روان باید با خرد جفت و سازگار باشد:

از آن کش روان با خرد بود جفت کسی باد دستی ز رادی نگفت
(همان، ۲۴۲)

۱-۵. خرد و دانش

اما در باب ارتباط خرد با دانش، گرشاسب‌نامه راه‌های بسیار برای دانش قائل است، ولی تنها یک راه برای خرد:

بسی دان ره دانش افزون و کاست نداند خرد جز یکی راه راست
(همان، ۱۴۸)

کوش‌نامه دانش بدون خرد را بی‌ارزش می‌داند:

چو همراه دانش نباشد خرد نه نیک آید از دانش تو نه بد
(کوش‌نامه، ۱۴۸)

در اندرز بهزاد فرخ پیروز، بند ۱۷ آمده است: «دانش بر پایه خرد کاری‌تر.» همچنین در کوش‌نامه تصریح شده که به‌وسیله دانش می‌توان راه خرد را پیدا کرد: «به دانش توان یافت راه خرد» (کوش‌نامه، ۶۷۲).

۱-۶- خرد و جان

در باب ارتباط خرد با جان باید گفت که این دو معمولاً در کنار یکدیگر دیده می‌شوند.^(۷) در دیباچه کوش نامه آمده است:

خرد داد و جان داد و پاکیزه هوش دل روشن و چشم بینای و گوش
(کوش نامه، ۱۴۵)

سازگاری و جفت بودن خرد و جان مورد تأکید هر سه منظومه است. در بهمن نامه می‌آید:

بر او آفرین خواند فرزانه گفت که با جان پاکت خرد باد جفت
(بهمن نامه، ۴۲۳)

در گرشاسب نامه:

سر نامه نام جهان‌دار گفت که با جان دانا خرد ساخت جفت
(گرشاسب نامه، ۴۰۹)

در کوش نامه:

سکندر بر او آفرین کرد و گفت که با جان پاکت خرد باد جفت
(کوش نامه، ۱۸۴)

گرشاسب نامه تصریح می‌کند که خرد روشنی بخش جان است:

بدو نیک را هر دو پاداشن است خنک آنک جانش از خرد روشن است
(گرشاسب نامه، ۳۲)

خرد در مورد جان همان جایگاهی را دارد که جان در مورد تن دارد:

خرد مایه ور گوهری روشن است چو جان او و جان مر ورا چو تن است
(همان، ۲۸۲)

خرد سالار تن و جان، هر دو، است:

تن و جان ما را به هم یار کرد خرد را بدین هر دو سالار کرد
(همان، ۳۵۳)

کوش نامه اشاره می‌کند که خرد نگهبان جان و تن است. نکته‌ای که ما را به یاد جوشن بودن خرد می‌اندازد که در سطور قبل ذکر آن گذشت.

نگهبان جان و تن آمد خرد نماند که بفریبش دیو بد
(کوش نامه، ۶۷۲)

۱-۷- خرد و سخن

یکی از مسائل مهم در مورد خرد که منظومه‌های ما آن را مطرح می‌کنند ارتباط آن با سخن است. باز هم اشارات *گرشاسب‌نامه* بیش از دو منظومه دیگر است. مسئله این است که سخن باید از خرد سرچشمه بگیرد:

خرد آتش تیز و دل بوته ساز سخن زر کن پاک بر هم گداز
(*گرشاسب‌نامه*، ۴۰)

در تشبیهی مشابه:

به کوره خرد در دبیر کهن همی کرد پالوده سیم سخن
(همان، ۳۲۴)

در جایی دیگر:

از آهو سخن پاک و پردخته گوی ترازو خرد سازش و سخته گوی
(همان، ۵۲)

و در جایی دیگر:

چنین گفت دانا که با خشم و جوش زبانم یکی بسته شیر است زوش
به بند خرد در همی بایمیش که بکشدم ترسم چو بگشایمیش
(همان، ۲۶۰)

در *کوش‌نامه* سخن کلید بند خرد دانسته شده است:

سپاه خرد را سخن پیشرو که راند همی از سخن نو به نو
خرد کرد اندر سخن‌ها پدید سخن‌دان تو بند خرد را کلید
(*کوش‌نامه*، ۱۴۸)

در *بهمن‌نامه* آمده است که گوهر سخن را باید در دریای خرد جست و پیدا کرد:

خرد همچو دریا سخن گوهر است چنان دان که گوهر به دریا در است
(*بهمن‌نامه*، ۳۰۳)

نتیجه

منظومه‌های مورد بررسی این پژوهش تأکید بسیاری بر اهمیت خرد دارند؛ تأکیدی که در متون زرتشتی هم دیده می‌شود. همچنین توصیفات و ویژگی‌هایی که درباره خرد می‌آورند شباهت بسیاری به توصیفات متون زرتشتی از خرد دارد. هر سه منظومه خرد را چیزی ایزدی می‌دانند که با عناصر و مفاهیم اهریمنی در نبرد است. خرد در این منظومه‌ها، همچون متون زرتشتی، در برابر مفاهیم اهریمنی همچون آز، کین، رشک، دروغ و هوای نفس قرار می‌گیرد. هر سه خرد را بهترین و برترین گوهر می‌دانند و بر این باورند که همچون چراغ روشنایی دارد و کارش رهنمونی و رهبری دل و جان و روان

به‌سوی یزدان و بهشت است. راه دین و راه خرد یکی دانسته شده است. ویژگی‌های ذکرشده برای خرد در این منظومه‌ها همچون شناسنده بودن، دل به دنیا نبستن و نگهبان تن و جان بودن، مورد اشاره متون زرتشتی نیز هست. درست است که اشارات گرشاسب‌نامه درباره خرد بیش از دو منظومه دیگر است، ولی موضع کلی هر سه منظومه را در مورد خرد می‌توان بسیار نزدیک ارزیابی کرد. آن‌چنان خرد در تار و پود این منظومه‌ها بافته شده است، همچون متون زرتشتی که جای جای آن سخن از خرد است، که نمی‌توان گمان برد از سرچشمه دیگری به‌غیر از باورهای زرتشتی نشأت گرفته باشد. با این همه، هر سه متن در مفاهیمی که درباره خرد پرداخته‌اند بسیار تحت تأثیر شاهنامه فردوسی‌اند و تأثیر عقاید و مفاهیم زردشتی در آنها تا حدود زیادی به‌واسطه شاهنامه فردوسی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. با تمام ارزش‌هایی که این تصحیح دارد، ولی به دلیل پاره‌ای اشکالات نیاز به یک تصحیح که نواقص قبل را برطرف کند، وجود دارد. نک به خالقی مطلق، ۱۳۷۰ ب: ۶۷. برای اطلاعات بیشتر درباره گرشاسب‌نامه، رک. مقدمه حبیب یغمایی بر گرشاسب‌نامه. همچنین رک صفا، ۱۳۶۳: ۲۸۹-۲۸۳؛ و Khāleghi-Motlagh, 1987: 699 & 700؛ و de Blois, 2000: 318 & 319.
۲. رک. توضیحات ملک الشعراى بهار در *مجم‌التواریخ*، ۹۲، پاورقی ۴. درمورد نام *ایران‌شاه* مطمئن نیستیم. همچنین رک. صفا، ۱۳۶۳: ۲۸۹. در مورد انتساب *بهمن‌نامه* به ایران‌شاه، رک. de Blois, 2011: 474.
۳. شاعر در اثر خویش هیچ اشاره‌ای به نام خود نمی‌کند. براساس اشاره *مجم‌التواریخ* حدس می‌زنیم که شاعر آن ایران‌شاه ابن ابی‌الخیر است (*مجم‌التواریخ*، ۱۳۸۳: ۹۲).
۳. در این باره همچنین رک. صفا، ۱۳۶۳: ۲۹۲؛ توضیحات مول در *دیباچه شاهنامه* (مول، ۱۳۶۹: ۵۰)، مقدمه عقیفی بر *بهمن‌نامه*، شانزده؛ Hanaway, 1988: 499.
۴. بیت‌هایی از شاهنامه نشانگر همین پیچیدگی و گستردگی مفهوم خرد است؛
خرد، دارد ای پیر بسیار نام رساند خرد پارسا را به کام!
یکی مهر خوانند و دیگر وفا خرد دور شد، درد مآند به جا!
زبان آوری راستی خواندش بلند اختری زیرکی داندش!
گهی بردبار و گهی رازدار که باشد سخن نزد او استوار!
پراگنده این است نام خرد از اندازه ها کام او بگذرد!
(شاهنامه، ۶: ۵۴۸-۵۴۹)
۵. همین را نیز در *شاهنامه* نیز می‌بینیم: خرد بهتر از هر چه ایزد داد (۱۷/۴/۱)
۶. فردوسی در *شاهنامه* می‌گوید:
به نام خداوند خورشید و ماه که دل را به نامش خرد داد راه
(شاهنامه، ۳: ۱۰۵)

۷. نمونه بارزش نخستین بیت شاهنامه فردوسی است: به نام خداوند جان و خرد

پیوست

در پایان پارهای تشبیهات را می‌آوریم که منظومه‌های مورد بررسی این پژوهش در مورد خرد به کار برده‌اند.

بهمن‌نامه:

| | |
|--|-----------------------------------|
| «کدخدا»: خرد کدخدا آمد اندر تنت | که تا داند او دوست از دشمنت (ص ۷) |
| «کان گنج»: سلاح تو هوش است و فرهنگ رنج | هنر دانش است و خرد کان گنج (ص ۷) |
| «باغ»: خرد پیش تو همچو باغی بود | خرد پیش دل چون چراغی بود (ص ۶) |

گرشاسب‌نامه:

| | |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| «شاه»: چو شاهی است، دین تاجش و دادگاه | دل پاک دستور و دانش سپاه (ص ۲۸۳) |
| چو دستور شد دل خرد همچو شاه | زبان چون سپهد سخن چون سپاه (ص ۳۸۰) |
| «ریشه»: درختی بدی سال و مه بارور | خرد بیخ و دین برگ و بارش هنر (ص ۴۰۹) |
| بود مرد دانا درخت بهشت | مرو را خرد بیخ و پاکی سرشت (ص ۲۸۱) |
| «بادبان»: تو کشتیش دین و دهش توشه دان | ره راست باد و خرد بادبان (ص ۳۸) |
| «آتش»: خرد آتش تیز و دل بوته ساز | سخن زر کن پاک بر هم گداز (ص ۴۰) |
| «ترازو»: از آهو سخن پاک و پردخته گوی | ترازو خرد سازش و سخته گوی (ص ۵۲) |
| «کشتی»: ره نیک و بد کشتن تخم ماست | خرد کشتی و توشه مان راه راست (ص ۱۴۴) |
| «کمان»: به میدان دانش بر اسپ هنر | نشین و ببند از ستایش کمر |
| وفا ترگ کن درع رادی بپوش | کمان از خرد ساز و خنجر ز هوش (ص ۲۱۸) |
| «مادر»: خرد هست مادر مرا هوش پدر | دل پاک هم جفت و دانش پسر (ص ۲۸۰) |
| «کوره»: به کوره خرد در دبیر کهن | همی کرد پالوده سیم سخن (ص ۳۲۴) |
| «پدر»: از این نامه من بهتر و خوبتر | سزای تو خدمت ندیدم دگر |
| زجان زاده فرزند بیش از شمار | بیاراستم هر یکی چون نگار |
| سراسر ز دست هنر خورده نوش | پدرشان خرد بوده و دایه هوش (ص ۴۱۵) |

منابع

- آموزگار، ژاله، ۱۳۸۶، «خردورزی در دین زرتشتی»، *زبان، فرهنگ و اسطوره*، تهران، معین.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی، ۱۳۸۶، *کتاب پنجم دینکرد*، تهران، معین.
- اسدی، علی ابن احمد، ۱۳۸۹، *گرشاسب‌نامه*، تصحیح حبیب یغمایی، تهران، دنیای کتاب.
- اندرز انوشه‌روان آذرباد مارسپندان: رک. جاماسپ آسانا.
- اندرز اوشنر دانا: رک. عقیفی
- اندرز بهزاد فرخ پیروز: رک. جاماسپ آسانا
- ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰، *بهمن‌نامه*، تصحیح رحیم عقیفی، تهران، علمی و فرهنگی.
- _____، ۱۳۷۷، *کوش‌نامه*، تصحیح جلال متینی، تهران، علمی.
- بهار، مهرداد، ۱۳۶۹، *بندهش*، تهران، توس.
- تفضلی، احمد، ۱۳۸۵، *مینوی خرد*، تهران، انتشارات توس.
- جاماسپ آسانا، ۱۳۸۱، *متن‌های پهلوی*، برگردان سعید عربیان، تهران، کتابخانه ملی.

- چیده اندرز پریوتکیشان: رک. جاماسپ آسانا
خالقی مطلق، جلال، ۱۳۷۰ الف، «جهان‌شناسی شاهنامه»، *ایران‌شناسی*، ش ۹، صص ۵۵-۷۰.
_____، ۱۳۷۰ ب، «فرهنگ گرشاسب‌نامه»، *یغما*، سال سی و دوم، صص ۶۷-۱۰۰.
دربارهٔ خیم و خرد فرخ‌مرد رک. جاماسپ آسانا
راشد محصل، محمد تقی، ۱۳۸۵ الف، *زند بهمن‌یسن*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
_____، ۱۳۸۵ ب، *وزیدگیهای زادسپرم*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
_____، ۱۳۸۹، *دینکرد هفتم*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
سخنی چند از آذرباد مارسپندان: رک. جاماسپ آسانا
صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۳، *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران، امیرکبیر.
عفیفی، رحیم، *اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی*، تهران، توس.
فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۶، *شاهنامه*، تصحیح جلال خالقی مطلق، ۸ جلد، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
فضیلت، فریدون، ۱۳۸۱، *کتاب سوم دینکرد*، تهران، فرهنگ دهخدا.
قائم‌مقامی، سید احمد رضا، ۱۳۸۷، *تطور مفاهیم اوستایی قدیم در سنت زردشتی*، رساله برای دریافت درجهٔ دکتری در رشتهٔ فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تهران.
متینی، جلال، ۱۳۶۲، «مازندران در جنگ‌های کی‌کاووس و رستم با دیوان»، *ایران‌نامه*، سال دوم، صص ۶۱۱-۶۳۸.
مجمعل‌التواریخ و القصص، ۱۳۸۳، تصحیح محمد تقی بهار، تهران، دنیای کتاب.
مزدایور، کتابیون، ۱۳۹۰، *شایست ناشایست*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
مول، ژول، ۱۳۶۹، *شاهنامهٔ فردوسی*، کتاب اول، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
میرفخرایی، مهشید، ۱۳۸۸، «خرد بهتر از هرچه ایزدت داد»، *فصل‌نامهٔ پایز*، شمارهٔ ۷ و ۸، صص ۹-۱۸.
_____، ۱۳۹۲، *بررسی دینکرد ششم*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
ورهام، لایلا، ۱۳۹۴، «ملاحظات دربارهٔ بهمن‌نامه: خاستگاه داستان، زمان و مکان سرایش آن»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال ۵، ش ۱، صص ۹۹-۱۱۶.
یادگار بزرگمهر رک. جاماسپ آسانا
de Blois, F. 2000. "Garšāsb-nāma," *EIr*, Vol X, 318-319.
_____. 1998. "Epics," *EIr*, Vol VIII, 474-477.
Hanaway, W. L. 1988, "Bahman-nāma," *EIr*, Vol III, 499-500.
Humbach, H. and P. Ichaporia, 1994. *The Heritage of Zarathustra, A New Translation of His Gathas*, Heidelberg.
Khāleghi- Motlagh, Dj. 1987, "Asadī Tūsi," *EIr*, Vol II, 699 & 700.
_____. 1988. "Bahman," *EIr*, Vol III, 489-490.
Madan, D. 1911. *The Complete Text of The Pahlavi Dēnkard*, Bombay.
Rieu, C. 1895. *Supplement of the Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*.